



جنبش قرمطیان

قَرَمَطِیان یا **قَرُومَطه** یا **قَرَامَطه** یکی از شاخه‌های استوار فرقه اسماعیلیه است. این جنبش منحصر به اعراب و قوم نبطیان ساکن عراق سوریه . جزیره العرب بود . قرمطیان به نسبت اینکه نظام عدل و مساوات را در میان مردم مراعات می نمودند ، از سایر اسماعیلیان ممتاز بودند . قیام قرمطه پس از شورش مشهور صاحب الزنج ۲۶۴ هـ ۸۷۷ م ، در سمت جنوبی بین النهرین در زمان خلافت معتمد عباسی آغاز گردید . پیروان این فرقه به ظهور آخر زمان محمد بن اسماعیل اعتقاد دارند . در ابتدا با فاطمیان همدست بود ولی بعداً از پذیرش ادعای امامت خلفای فاطمی مصرسرباز زدند . موسس این فرقه در آغاز یکی از داعیان فرقه اسماعیلی بود که فعالیت تبلیغی خود را در عراق به سال ۲۶۱ هجری آشکار کرد و مبلغانی به سرزمین‌های مختلف فرستاد . دعوت قرمطیان در ابتدا از عراق آغاز شد سپس در بحرین و یمن و الاحساء (یکی از ولایت سعودی) و دیگر نقاط گسترش یافت . با ظهور خلافت فاطمی، بیشتر اسماعیلیان امامت آنان را پذیرفتند از قرمطیان جدا شدند و یک‌کده آنان نه پذیرفتند قرمطه باقی ماندن . با این حال قرمطیان تا مدت‌ها در بحرین دولت مقتدری تاسیس کردند که حدود دو قرن دوام نمود . این تهدیدی بود برای خلافت عباسیان . قرمطی نسبتی است به قرمط . اما قرمط چه معنی می دهد . کسیکه گام های او کوتاه بوده فاصله دو گام وی کم باشد او را قرمط می گویند . این کلمه لقب برای حمدان بن الاشعث شخصیکه رهبر جنبش قرمطه بود نام نهاده شده بود و آهسته آهسته قیام بنام قرمط مسما گردید .

چرا قیامهای علیه خلیفه رخ میداد

در مراحل اول تشکیل نظام اسلامی عدالت مساوات برادری و برابری بود . و هم کسان که به اسلام رو نمی آوردند غلام یا کنیز مسلمانان می گردیدند . ولی آهسته آهسته تغییر نموده دولتها فقط حاکمان و جابران بودند . تفاوت قومی ولسانی آغاز شد . عرب و عجم ظهور نمود اکثریت مالکان اعراب بودند . غلامی دوباره در بین مسلمانان زیاد گردید . اگر کشور یا مردم مسلمان که بر علیه خلیفه بغاوت می کرد بعد از جنگ همه مسلمانان همان شهر وکشور منیحت غلام و برده فروخته میشدند . به همین ترتیب جز نام از اسلام چیزی دیگر باقی نمانده بود . حتی محمود غزنوی و غوریان که دولتهای قوی بودند . دولت و کشور خود را جزو امپراطوری بغداد قلمداد می نمودند . از طرف دیگر کشتن بی موجب ابومسلم خراسانی اعتماد مردم عجم را از عرب گرفته بود . مسلمانان دیگر کشورها خواهان آزادی ، خواهان دیگر دین ، مذهب ، یا نظام بودند . درین زمان قیامهای متعدد علیه خلیفه رخ داده است که یکی آن بنام قیام قرمطه یاد می گردد . که موجب شد تا در نظام اصلاحات بیاورند .

دعوت و توسعه جنبش قرمط

حمدان قرمط زمانیکه هم فکran زیادی پیدا نمود ، تشکیلات دقیقی چید و دعوت خود را به خارج نیز گسترش داد . ذکرویه دندانی را به عراق ، ابو سعید جنابی را بر ایران و بحرین فرستاد . حمدان و ذکرویه و ابوسعید فقط مجریان و رهبران بودند که هیچ کس نام حقیقی آنها را نمی دانست . آن‌ها

اسم‌های مستعاری داشتند، چون «صاحب الظهور» و «صاحب الناقه» و «صاحب الخال» بود. کم‌کم در اطراف سرزمین خلافت، پناهگاه‌هایی برای شورش ایجاد و قیام‌هایی را سازماندهی نمودند که مهمترین قیام آن، قیام ذکرویه در صحرای سوریه به سال ۲۸۸ هجری قمری - ۹۰۰ م، و قیام خراسان به سال ۲۹۰ هـ / ۹۰۲ م می‌باشد. ولی خلیفه عباسی همواره نیرومندتر از ایشان بود، و همه این قیام‌ها را سرکوب کرد؛ مخصوصاً پس از مرگ ذکرویه جنبش عراق خاموش شد. ذکرویه (ابوعبدالله محمد) ابوسعید جنابی را در احسا (ولایت است در سعودی) و بحرین فرستاده دعوت قرمطیان پیروزی درخشانی به‌دست آورد. هنوز سال ۲۸۸ هـ / ۹۰۰ م نیامده بود که ابوسعید بر آن بلاد غلبه یافت و بصره و بغداد را تحت تهدید قرار داد.

قیام حمدان قرمط

قیام حمدان قرمط در حوالی وسط، میان کوفه و بصره پدید آمد. آنجا منطقه‌ای بود آماده برای دعوت‌های انقلابی، مردمش متشکل از آمیزه‌ای از اعراب و قوم نبطیان و بردگان بودند. اینان برای دیگران کار می‌کردند و زیر فشار و ستم اربابان خود قرار داشتند. حمدان، که خود یکی از مدیان اسماعیلیه بود، مرکزی ترتیب داد و آن را «دارالهجره» نامید و پیروانش در آنجا گرد می‌آمدند، و مالیات و داری خود را به آن جا می‌پرداختند، یکی از این وجوهات «زکات الفطره» بود، که برای امام مستور فاطمی جمع آوری می‌شد. و دیگر «ضریبه الهجره» بود، برای تامین نیازمندی‌های «دارالهجره» و سهوم آن «خمس» بود برای شرکت در «عشاء المحبه»، یعنی خوردن «خبز الفردوس».

کار پیروان حمدان بدان جا کشید که همه داری خود را، به صورت کل، در اختیار جمع قرار دادند، تا آنجا که دیگو فقیر و غنی در میان ایشان نماند و کسی، جز شمشیر و سلاحش مالک چیزی نبود. معاون و دست راست حمدان، دامادش عبدان، بود. عبدان کتابی در شرح مذهب قرمطی نوشت و گفت که همه کتابهای آسمانی و قوانین دینی، که به‌پیغمبران وحی شده برای مردم حجابی است معنی باطنی آنرا هیچ کس، جز امام یا جانشین او، درک نتواند کرد.

روابط بین قرمط و فاطمیان مصر

در آغاز روابط بین قرمطیان و فاطمیان مستحکم بود. بزرگان فرقه فاطمی مردم را به نام «امام زمان مستور فاطمی»، به دین نوین می‌خواندند، و وجوهات را به نام خلفای فاطمی جمع می‌کردند و قسمتی از آن را برای قرمطیان می‌فرستادند. و نیز حجر اسود را دوباره به مکه برگرداندند. دولت فاطمی مصر در مراحل اول متحد هم‌دیگر بودند قرمطیان پس از فتح مصر و مغرب از دولت فاطمی فاصله گرفتند زیرا رفتار و سلوک خلفای فاطمی را مطابق آنچه از امام انتظار داشتند نیافتند. دولت فاطمی خود را با عباسی نزدیک ساختند.

تاریخچه جنبش قرمطیان

آغازگر این فرقه مردی بوده است بنام حسین اهوازی. وی بنام داعی و مبلغ اسماعیلیه به عراق رفت و در آن جا با حمدان قرمط آشنا گردید.

حسین اهوازی و حمدان قرمط مردم را بنام احمد بن محمد بن حنفیه دعوت نموده و او را رسول الله می‌گفتند. قبله را به بیت المقدس برگرداندند و ایام روزه را ۹ روز در ماه میزان دانستند.

یکی از کسانی که دعوت حسین اهوازی را پذیرفت مردی بود بنام عبدان کاتب. و این مرد که از داعیان مشهور قرامطه است مردم را به امامت محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق (ع) می‌خواند.

داعیان (دعوت کننده) قرامطه در شام، عراق، بحرین، مصر و افریقا به تبلیغات خود آغاز نمودند.. مؤسس این فرقه در بحرین ابوسعید حسن بن بهرام جنابی است. این مرد در کوفه سکونت داشت. در آن جا با حمدان قرمط آشنا شد و پس از چندی از داعیان قرمطی گردید. گروهی فراوان را به دور خود فراهم آورد. ابوسعید در ۳۰۱ یا ۳۰۲ کشته شد. پس از ابوسعید، ابوطاهر سلیمان بن حسن بن بهرام، زعامت این دسته از قرامطه را عهده دار شد و در سال ۳۱۱ هجری قمری بصره را غارت کرد و بسیاری از مردم شهر را کشت و به احساء بازگردید. در سال ۳۱۷ در روز هشتم ماه حوت ابوطاهر به مکه حمله برد و حاجیان را کشت و شهر مکه را تاراج کرد و حجرالاسود را با اسیران فراوان با خود به بحرین برد. در سال های ۳۱۹-۳۲۳ در کوفه و اطراف آن به تاخت و تاز مشغول بود و سرانجام در ۳۳۲ به بیماری مرض آبله مرد. حجرالاسود مدت ۲۲ سال در اختیار قرمطیان بود و در سال ۳۳۹ نخست آن را به کوفه و سپس به مکه بردند.

قرامطه با فاطمیان نیز جنگهای نمودند که سر انجام باعث ضعیف شدن آنها گردید. بار اول به دمشق و شهر رمله حمله کردند و سپس رو به مصر نهادند لیکن سپاه آنان از سپاه المعز خلیفه فاطمی شکست خورد و رئیس قرامطه که در این دوره حسن بن احمد بود فرار کرد (۳۶۳ هـ ق) و از این تاریخ قدرت قرامطه رو به زوال نهاد و اندک اندک از میان رفتند.

تاسیس دولت قرمط در بحرین

کار دعوت اسماعیلیان در سرزمین بحرین، بر عهده ابوسعید جنابی سپرده شده بود. وی مردم مان بحرین را که اکثرا غیر عرب نبطی ایرانی و اعراب فقیر که اکثریت جمعیت بحرین را تشکیل می دادند به جنبش قرمط دعوت نمود، ابوسعید در اولین سال های دهه هشتاد از قرن سوم هجری قمری، توانست شهرهای هجر (گرا - هگر) و خط (پنیات اردشیر) را به تصرف درآورد و دست غارتگران دستگاه خلافت را از سرزمین بحرین کوتاه سازد. بدین ترتیب ابوسعید دولت قرمطی را در بحرین تاسیس کرد و شهر هجر را مرکز این دولت قرار داد. دولت قرمطی بر سرزمین یمامه (گوشه از سعودی) دست یافت دوسال بعد سرتاسر سواحل جنوبی خلیج فارس و سرزمین عمان به دولت قرمطی پیوست. ابوسعید در سال (۳۰۱ هجری قمری) کشته شد و پسرش « ابوطاهر گناوه ای» پیشوای قرمطیان گردید. دولت قرمطیان بحرین تا سال (۳۴۹ هجری قمری) دوام داشت. که بزرگترین دشمن آن خلیفه بود..

دیدگاه قرمطیان

«قرمطیان» بزودی در بین ایالات مختلف اسلامی و در میان قشر بازرگانان و روشنفکران، طرفداران بسیار بدست آوردند. از دیدگاه قرمطیان مذهب خود شان از همه مهمتر بود. آنها جز خدا در روی زمین به هیچ چیز اعتقاد نداشتن. ولی این جنبش در میان خود عدالت و مساوات را می پذیرفتن مال و زمین همه مشترک بود و همه از آن استفاده می کردند. در میان قرمطیان فقیر و دارا نبود. در قرن بیست بعضی از نویسندگان قرمطیان را بلشویک اسلامی یاد می خواندند. از اینکه قرمطیان به محمد (ص) و دین او اعتقاد نداشتن به کفر و زندقه متهم گردیده بودند. در حقیقت قیام قرمطیان ظاهر دینی و عقیدتی داشت، اما عنوان کردن نام امام و خواندن مردم بدو وسیله بوده است که در آن روزگار کاربرد داشته است. قرمطیان دو مقصد اصلی داشتن یکی تغیر دین و مذهب و دوم برانداختن خلیفه و تاسیس حکومت خود را داشتند، چنانکه که فاطمیان نیز چنین بودند.

آنها به این منظور درفش کاویانی را پاره نمودند ، فرش زربافت بهارستان و پرده اطراف کعبه را تکه تکه کردند ، حجرالاسود را خرد کرده و در دریا ریخته و دروازه طلایی کعبه را با خود بردند. تا ریشه اسلام را برچینند.



درفش کاویانی



فرش بهارستان

قرمطیان به کسانی را که به آئین اسلام گرویده بودند و مقررات آنرا محترم می‌شمردند، بدیده استهزاء مینگریستند و پس از آنکه به «لحسا» برگشتند، هرچه قدر قرآن و تورات و انجیل بود، همه را به صحرا افکندند و از بین بردند. بنظر قرمطیان سه نفر، مردم جهان را گمراه کرده اند : شبانی (که مقصودشان موسی بود) طیبی (که مرادشان عیسی بود) و شتربانی (که منظورشان محمد (ص) بود). تا آنکه این جنبش کفری روبه زوال گشت. حجرالاسود به جایش قرار گرفت و مکه دوباره اعمار گردید که تا امروز پا بر جا است.

